

ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم میکند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت

مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۱/۰۷/۱۹



#پرونده\_ویژه

## مسئله حساس کنونی

تحلیل مسئله گشت ارشاد و نقدی بر سازوکار غلط اجرای قانون حجاب

همچنین در این شماره می خوانیم:

- صریح در قلب نیویورک « تأملی بر سخنرانی رئیس جمهور در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل.
- نشانِ مردی! « یادداشتی انتقادی پیرامون مقوله سربازی اجباری به مناسبت روز سرباز .
- پروژه جدید آمریکا این بار در قفقاز « بررسی مداخله آشکار آمریکا در درگیری های جدید میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان.

## مسئله حساس کنونی

تحلیل مسئله گشت ارشاد و نقدی بر سازوکار غلط اجرای قانون حجاب

■ فرزانه جعفری

اینجا ایران است، صدای ما از میان اغتشاشات شنیده نمی‌شود.

مشکل اصلی شاید همین جاست؛ چند قدم عقب‌تر از مسئله پیش آمده، در نسبت حاکمیت با مردم، در اعتراضاتی که سال‌هاست به اقدام علیه امنیت ملی ختم می‌شوند، در صدایی که در آتش اغتشاش خاموش می‌شود و در مسئله‌ای که هیچ‌گاه حل نمی‌گردد.

این چند روز اعتراض هم مانند اعتراضات دیگری که به اغتشاش و آشوب تبدیل شدند، می‌گذرد و آن‌ها که می‌خواستند از درد ملت کاسبی کنند، کارشان را انجام داده و می‌روند و شاید همه چیز به نظر عادی شود و به قول معروف، ملت فهیم و غیور ایران فتنه‌ای دیگر را ناکام بگذارند؛ اما آن چیزی که در نهایت باقی می‌ماند، مسئله‌ایست که در این میان اصالت خود را از دست می‌دهد و در کنار مسائل حل نشده دیگر در گوشه ذهن مردم ماندگار می‌شود و زخم جدیدی را بر پیکر اعتماد عمومی بر جای می‌گذارد.

آری این حل مسئله است که قربانی اصلی تمام این اتفاقات خواهد بود، چیزی که در نهایت فراموش می‌شود و نشان می‌دهد هیچ‌گاه فضای ملت‌تهد و آشوب به دنبال حل مشکلات و مطالبات مردم نیست و هیچ‌یک از جریان‌های اخیر نیز تلاشی ناظر به حل مسئله ندارند؛ حال می‌خواهد مسئله گرانی و بی‌آبی باشد یا حجاب و گشت ارشاد.

به دنبال فوت مهسا امینی دختر ۲۲ ساله گُرد و اعتراضات و اتفاقاتی که در پی آن رخ داد، بار دیگر مسئله گشت ارشاد که از مدت‌ها قبل نیز در پس افکار عمومی مطرح بود، تبدیل به مطالبه و دغدغه روز جامعه شد.

کشور در این حوزه را یک تنه به عهده بگیرد و قبل از آن که بر اساس اولین ماده وظایفش، به اعلام حدود و ضوابط قانونی بدحجابی بپردازد، شروع به برخورد تعزیری کند. در همین شرایط است که دیگر متولی اصلی بحث حجاب در کشور قابل تشخیص نیست و انگشت اتهامی که باید رو به تمام نهادهای فرهنگی گرفته شود، تماماً به سمت نیروی انتظامی و پلیس امنیت اخلاقی نشانه می‌رود؛ زیرا مسئله حجاب که خود محل بحث مفصلی میان صاحب نظران است از یک امر فرهنگی بسیار مهم به یک قانون صرفاً اجرایی تنزل می‌یابد که تنها نهاد مقابله‌کننده با عدم رعایت آن، نیروی انتظامی است و همین اتفاق سبب غفلت و سوءاستفاده سایر دستگاه‌های مسئول در این زمینه می‌شود.

در کنار همه نکات مطرح شده، از عدم وجود متولی اصلی امر فرهنگی در کشور تا نبود معیار مشخص برای قانون حجاب و همچنین کم‌توجهی نهادهای ذی‌ربط، آن چیزی که منطقی در این بین توجیه ندارد، قصور دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی است که فارغ از مصوبه مذکور به طور بدیهی وظیفه تلاش در جهت بحث فرهنگی را در کشور دارند اما متأسفانه در تمام این سال‌ها، خود عرصه‌ای برای نقض قانون حجاب بودند؛ مهم‌ترین این نهادها که اتفاقاً اولین نهادی است که در این مصوبه، مسئولیت در اولویت قراردادن مسئله حجاب را دارد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که همه ساله در برگزاری جشنواره‌های مختلف فجر و حافظ و... تا ساخت و مجوز آثار فرهنگی مختلف روز به روز مروج فرهنگ بدحجابی و عدم پوشش مناسب است و خود جولانگاهی برای تربیت سوزده‌های گشت ارشادی است. البته لازم به ذکر است که جزء

قدمت و ابعاد این مسئله اما فراتر از تابستان امسال و کمپین‌های مجازی‌ای بود که چند ماه گذشته در فضای اینستاگرام و توییتر با عنوان محببه‌های مخالف گشت ارشاد و حجاب اجباری، عنوان شدند. مسئله از زمان ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد که گشت ارشاد در کشور، به طور ویژه مورد بحث و نقد قرار گرفت، دغدغه شد و به دنبال همان بحث‌ها و نقدها، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و گاه کاملاً متضادی به وجود آمد؛ نظراتی که سال‌هاست از سوی موافقان و مخالفان مسئله گشت ارشاد در فضاهای آکادمیک و رسانه‌ای و حتی در کف جامعه بیان می‌شود. اما متأسفانه با وجود همه انتقادات وارده طی سالیان متمادی، هیچ اصلاح و تغییری در ساز و کار این مجموعه پرنقص که همیشه عملکردش مورد انتقاد همگان بوده، دیده نشده است و همین عدم تلاش و وجود مقاومت در برابر تغییر بوده است که موجب گشته، امروزه این مسئله از یک مطالبه کوچک به بحران جدیدی برای کشور بدل شود.

مسئله پیش‌رو آنجایی آغاز می‌شود که نیروی انتظامی به عنوان قدرت سخت، براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در کنار چندین نهاد و دستگاه و وزارتخانه دیگر، به اقدام در راستای یکی از فرهنگی‌ترین مسائل کشور یعنی مسئله حجاب، موظف شد. مصوبه‌ای که در ابتدا به نظر مشکلی ندارد و کاملاً مبتنی بر وظیفه هر حکومتی برای استفاده از ابزارهای مختلف از جمله تعزیرات و برخورد سلبی، مقابل مظاهر تخلف و جرم در جهت اجرای قانون است. اما مشکل اصلی در همین نقطه رقم می‌خورد؛ جایی که نیروی انتظامی تصمیم می‌گیرد به تنهایی تمام کم کاری‌ها و سازمان‌های کوچک و بزرگ

این وزارتخانه، دهها نهاد و سازمان دیگر از جمله صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، آموزش و پرورش و... نیز باید پاسخگوی کم کاریها و گاهاً اقدامات متناقضشان در این عرصه باشند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خود تنها یکی از نهادهای قانونگذار و اجرایی در این زمینه است و در اصل، این شورای عالی انقلاب فرهنگی است که باید عدم نظارت بر اجرای صحیح مصوبه خودش را توضیح دهد و مجلس شورای اسلامی نیز موظف است در راستای وظیفه قانون گذاری اش، به طرح یک ساز و کار دقیق و شفاف برای قانون حجاب برسد تا با مشکلات پیش آمده در اجرای این قانون مقابله شود.

در آخر شایان ذکر است که، قطعاً لزوم اصلاح روشهای گشت ارشاد بر همگان واضح و مبرهن است اما آن چیزی که در نهایت در اینجا به عنوان مسئله سعی شد تا از آن یاد شود، عدم تلاش و اقدام موثر برای حل مشکلی است که این روزها منجر به هزینههای جانی و مالی زیادی برای کشور شده است. امیدواریم دولت سیزدهم رویکردی متفاوت از دولت‌های قبل را در دستور کار خود قرار دهد و مسئله و درد ملت را به دست فراموشی نسپارد و در کنار برقراری نظم و امنیت در فضای به آشوب کشیده کشور، به حل مسئله مردم نیز بپردازد، شاید اینگونه تهدید دشمن از اساس خنثی شود و ضربه‌ای که قرار بود شکاف بین مردم و حکومت را افزایش دهد، به خیری بدل گردد که اعتماد عمومی را بار دیگر به رگهای ایران عزیزمان بازمی‌گرداند.

اطاله کلام کردیم و سخن از حوصله فراتر رفت، اما در این میان روایت یک ماجرای مهم مغفول مانده است؛ از عدم وجود ساز و کار مناسب اعتراض تا ضرورت توجه به حل مسئله و راهکارهای قانون گذاری و کار فرهنگی و پژوهشی به اندازه‌ای که وسعمان بود سخن گفتیم اما از روایت یک درد همیشگی حرفی نزدیم. نگفتیم از خستگی مردمی که هربار اعتراض و مطالبه‌شان جولانگاه سوءاستفاده دشمنان قسم خورده این مرز و بوم می‌شود، نگفتیم از هتک حرمت به قرآن و مقدساتمان، از آتش زدن مساجد و چادر از سر کشیدن‌ها، نگفتیم از خون‌های بی‌گناهی که از مردم و نیروهای نظامی کشورمان بر زمین ریخته شد، نگفتیم از بانک‌ها و ماشین‌ها و آمبولانس‌ها و اتوبوس‌ها و اموالی که به آتش کشیده شدند؛ نگفتیم تا به دور از التهاب بتوانیم از راه حل حرف بزنیم اما این بدان معنی نیست که می‌توانیم فراموش کنیم آن چیزی را که در روزهای پایانی تابستان ۱۴۰۱ بر ما گذشت و حال نیز می‌گذرد. تاریخ سرزمین ما از دسیسه‌ها و سواستفاده‌ها و فتنه‌های دشمنان لبریز است و قطعاً ما یادمان نمی‌رود چه بر سر ما گذشت تا ایران، ایران شد. ما برای

و جب به وجب خاک سرزمین عزیزمان، برای اهتزاز پرچم سه رنگش بر فراز قله‌ها، برای چادر خاکی مادرمان و برای دین و مقدساتمان، عزیزترین‌هایمان را فدا کردیم و اجازه نداده و نمی‌دهیم که مدعیان حقوق بشری که سال‌هاست رنگ آرامش را از خاورمیانه و مردمش گرفته‌اند و کمر همت بر نابودی جمهوری اسلامی بسته‌اند، از درد و مطالبه ملت‌مان بهره ببرند. تاریخ این ملت سرفراز نشان داده است که هیچ آشوب و اغتشاشی توان مقابله با خون‌ها و ارزش‌هایش را نخواهد داشت، به ویژه این اقدامات سازماندهی شده که آمادگی و برنامه‌ریزی برایش در حرف‌ها و عمل‌هایشان ثابت شده و جز رسوایی برای سردمدارانش چیزی نداشته است.

هدف قرار دادن امنیت و وحدت و ایمان این ملت بزرگ‌ترین اشتباه معاندان و مخالفان جمهوری اسلامی است که هر بار امتحانش می‌کنند و به نتیجه نمی‌رسند. این بار هم مسئله حجاب برای آن‌ها بهانه‌ای بود تا اهدافی را که چند دهه است در سر دارند به ثمر برسانند اما حضور نیروهای مسلح و مردمی که همیشه پای کار نظام هستند بار دیگر به همگان ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران حرم است و این حرم به برکت خون شهدا و آرمان انقلابش استوار خواهد ماند.

بدانید و آگاه باشید که؛ ثبت است بر جریده عالم دوام ما ...



## صریح در قلب نیویورک

تأملی بر سخنرانی رییس جمهور در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل

■ صبا پویان

روز دوشنبه بیست و هفتم شهریور ماه هزار و چهارصد و یک، هواپیمای حامل نماینده ملت ایران، پس از چهارده ساعت پرواز در خاک آمریکا فرود آمده و هیئت ایرانی را بدرقه ماموریتی مهم می‌کند. این هیئت پس از استراحت، آماده حضور در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل می‌شود؛ نشستی که سالانه نمایندگان کشورها مسائل داخلی کشور خود و همچنین نظرات بین‌المللی‌شان را در راستای بینش و نگرش خویش مطرح کرده و سعی می‌کنند تا وجهه مناسبی را از کشور خود نشان داده و در دیدگاه ملت‌های جهان موثر واقع شوند.

اما در این رویداد، کسانی که در خیال خود حضورشان پررنگ و موثرتر واقع خواهد شد، دشمنانی هستند که نهایت تلاش خویش را برای انزوای نمایندگان ملت ایران انجام می‌دهند.

پیش از شروع روایت سخنان ریاست جمهوری، ذکر این نکته لازم است که این سخنرانی تفاوت‌های چشمگیری با سخنرانی‌های دولت‌های پیشین داشته است و حتی در جایگاه خود در این چند سال، بی‌بدیل بوده است؛ چرا که هدف دولتمردان قبل، نه صراحت بیان و دیپلماسی انقلابی که رسیدن به نوعی از غرب‌باوری و غرب‌دوستی بوده است؛ آنجا که مردم در حاشیه قرار گرفته و مسئولان آن زمان غایت وظیفه خود، یعنی خدمت به خلق را نادیده گرفتند.

حال سید ابراهیم رئیسی، هشتمین رئیس جمهور کشور، به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران، در این نشست حضور پیدا کرده و به ایراد سخنرانی پرداخت؛ این در حالی

است که در آستانه سفر ایشان به نیویورک، علاوه بر مشکلات اقتصادی و بین‌المللی که پیش از این نیز گریبان‌گیر کشور بوده‌اند، درگیری‌ها و آشوب‌های داخلی نیز روی دادند و فضا را برای نمایندگان کشورمان ملت‌هت و دشوار ساختند، اما با این حال بسیاری از خبرگزاری‌های جهانی و منطقه‌ای در انتظار شنیدن سخنرانی رئیس جمهور ایران بوده و بنابراین این امر از هر جهت نمایانگر اهمیت بالای اقتدار و سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

فضای بین الملل اکنون شاهد تنش‌های گوناگونی است و مصداق این ماجرا، جنگ‌های فرسایشی و تحمیلی آمریکا به کشورهای جهان است که به هر نحوی سعی بر حفظ این رویه در جهان دارد؛ در نتیجه یکجانبه‌گرایی کلمه‌ای بود که رئیس جمهور کشورمان آن را چندین بار در سخنان خود تکرار کرده و سیاست دولت و کشور را بر مبنای مقابله با آن عنوان کردند. در حقیقت مهم‌ترین محور این سخنرانی، نمایاندن شکست‌های مختلف آمریکا به تمامی کشورها و لزوم مقابله با روند سلطه‌گری و کدخداپنداری این دولت بود.

علاوه بر آن برجام و تعهداتی که آمریکا پس از یک دهه هنوز هم که هنوز است آن‌ها را نپذیرفته و فقط لاف پابیندی به تعهدات را سرلوحه سیاست خویش قرار داده است، باعث شد اعضای سازمان ملل و حاضرین مجمع دریابند که عقیده و مبنای سیاست دولت ایران، باز شدن گره توافق هسته‌ای از همان جای گره خورده است؛ چنان‌که تاکنون، ایران پایبند به تک‌تک تعهدات خود بوده و با تجربیات کسب شده، نمی‌تواند در موضوع مهم تضمین پایداری توافق، با مسامحه عمل کند.

از دیگر نکات مطرح شده در این سخنرانی، مسئله فلسطین و حق تعیین سرنوشت این کشور و حق توسعه ملت‌های تحت تحریم و همچنین جوامع بومی کانادا بود که کودکان آن به جای کلاس‌های درس، سر از گورهای دست جمعی در آوردند. این اشارات در جایگاه خود، مکانی برای سوال و تأمل دارد که آمریکا و سایر مدعیان حقوق بشر باید پاسخگوی آن باشند.

علاوه بر این، داعش و سردسته آن که سعی بر خط‌کشی مرزهای جغرافیایی منطقه داشت و همچنین شهادت سردار مقاومت نیز، مسائلی نبودند که در این سخنرانی به فراموشی سپرده شوند و لازم بود که حضار این اجلاس شاهد تصویر ایشان و یادآوری فرمان شخص ترامپ مبنی بر شهادت حاج قاسم می‌شدند. اشاره به منطق قرآنی کشور، تهدید فزاینده تروریسم و ... نیز از دیگر نکات حائز اهمیت بیانات نماینده کشورمان بود که روایت آنها در این مقال نمی‌گنجد و برای ارائه نظر و برداشت صحیح، لازم است که متن این سخنرانی صریح مطالعه گردد.

بازتاب‌های گوناگون نشست رئیس جمهور و خصوصاً طی کردن پیاده مسیر سازمان ملل تا هتل محل اقامت‌شان در خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جهان و منطقه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت؛ در حقیقت رسانه و واقعیت، مرزی دارند که هم می‌توان از آن فرار کرد و هم غرق در آن شد. در دنیای مجازی، شما می‌توانید خط و نشان بکشید و با تهدیدها و ردیف کردن لشگری پوشالی از سلبریتی‌ها و افراد مدعی شهرت، ادعا کنید که چنین و چنان کرده و عرصه را برای رفت و آمد یک رئیس جمهور تنگ می‌کنید؛ اما وقتی راه، نه با ماشین که حتی پیاده طی شده و



در نیویورک، قلب آمریکا، رئیس جمهور عکس سردار را بالا گرفته و صریح و قاطع، پیگیر محاکمه قاتلان ایشان در همان کشور می‌شوند، پشت صحبت‌ها و همان سلبریتی‌ها پنهان می‌شوید و در اوج شکست، تنها لفظ خبرنگار را یکدک می‌کشید!

در آخر آن‌چه که برای جهان در سازمان ملل نمایان شد، پایداری و سیاست چندجانبه‌گرایی ملت ایران بود.

شکست مفتضحانه و حضور دروغین دشمنان ما قابل پیش‌بینی است؛ اما امری که اول و آخر مشخص است و فرصتی برای خدمتی اصولی دارد، این است که ما به مثابه مردم، صدایمان واحد بوده و زخم‌هایمان به دست خودمان درمان شده و مسئولین نیز در راستای سخنرانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، درک دغدغه و حل مشکلات مردمی که با تمام توان و با وجود تحریم‌ها و دشمنی‌ها و خون‌های ریخته شده، پای کشور و انقلاب خود ایستاده‌اند را به طور جدی دنبال کنند.

## نشانِ مردی!

یادداشتی انتقادی پیرامون مقوله سربازی اجباری به مناسبت روز سرباز

■ الهه اکبرزاده

نقص‌هایش پذیرفتنی نیست. سربازی اجباری، به این شکل رایج، علاوه بر مشکلاتی که برای مشمولان، یعنی جوان‌های این کشور و خانواده‌هایشان، ایجاد می‌کند در تأمین بخشی از اهداف اصلی خود نیز ناکارآمد است. و به‌طور غیرمستقیم برای کشور هزینه‌زاست. سربازی کابوس بسیاری از جوان‌ها و از جمله دلایل مهاجرت نخبگانی است. سربازی فشار روانی زیادی برای جوانان ایجاد می‌کند، برخی از آن‌ها فقط برای اینکه سربازی را به عقب بیندازند تن به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر می‌دهند و برخی دیگر تصمیم می‌گیرند برچسب سربازفراری را بپذیرند، بی‌خیال بسیاری از حقوق اجتماعی‌شان شوند و با محرومیت‌های اجتماعی دست و پنجه نرم

حق انتخاب نداری و در سایه اطاعت محض، دو سال از زندگی را فقط «تحمل» کنی تا مرد بشوی!  
از همه این داستان‌ها فقط همان نتیجه برمی‌آید که مرد شدن به‌عنوان نتیجه دو سال خدمت، تنها فریبی بوده برای راحت‌تر کردن این میراث رضاخانی! واقعیت این است که چپاندن واژه «مقدس» بین خدمت و سربازی هیچ‌گاه ماهیت آن را عوض نکرد. شاید در عصر رضاخان و درهنگام نخستین تلاش‌ها برای مدرن‌شدن، چندان بد به نظر نمی‌آمد که جوان مردم را دو سال با کمترین مواجب به کار بگیری، اما امروز که اکثر کشورها طرح‌های بهتری را برای تأمین امنیت کشور به اجرا گذاشته‌اند، سربازی اجباری با

قبل‌ترها بیشتر می‌شنیدیم و حالا کمتر که می‌گفتند «پسر می‌ره سربازی مرد می‌شه برمی‌گرده» اما هیچ‌وقت به آن‌ها که به طریقی از رفتن به سربازی معاف می‌شدند نمی‌گفتند «فرصت مرد شدن را از دست دادی!» از همین‌جا پیداست، فکر «می‌ره، مرد می‌شه» فقط تسلاپی بوده برای پسران جوان، که خیال کنند اگر باید همه برنامه‌های آینده خود را به مدت دو سال به تعویق بیندازند، در ازای آن چیزی بدست می‌آورند و مرد می‌شوند!

عجیب است تلقی پادگان‌ها به مثابه ماشین «مردسازی» و پرورش [جوان] مردی، یعنی بروی جایی که در هیچ یک از شئون زندگی‌ات

مشکلات سربازی به گوش مسئولین نیروهای مسلح کشور رسیده است اما بیشتر آن‌ها می‌گویند نداشتن بودجه کافی برای حرفه‌ای کردن سربازی اصلی‌ترین دلیل تداوم روند کنونی است. درست است که طرح‌های مربوط به سربازی حرفه‌ای هزینه‌های زیادی دارند، اما باید توجه داشت که تداوم سربازی اجباری هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی دارد که از مبلغ مورد نیاز برای حذف آن بسیار بیشتر است و آقایان ستادکل اگر در وهله اول نقص‌های روند کنونی را بپذیرند و سپس عزمی برای اصلاح امور داشته باشند، می‌توانند ابتدا طرح‌هایی را برای کاهش مدت سربازی و سربازی ترکیبی در دستور کار قرار دهند، تا زمانی که زیرساخت‌های لازم برای حذف سربازی اجباری و اجرای سربازگیری داوطلبانه فراهم شود. حالا دیگر به جای آنکه انجام خدمت سربازی نشانه مردی باشد، تلاش برای اصلاح رویه‌های معیوب کشور از جمله سربازی اجباری نشان مردی است.

نمی‌کند. سرباز در بیشتر پست‌های حفاظتی، از درباری کلاتتری و پادگان‌ها گرفته تا مهم‌ترین اماکن امنیتی و نظامی، یک حفرة امنیتی است، نیروی گزینش نشده‌ای که مجبور به انجام کاری است که دغدغه‌اش را ندارد و درآمدش هم آن قدر ناچیز است که می‌تواند تحت تأثیر هر پیشنهادی قرار بگیرد.

به‌طور کلی باید توجه داشت که حتی اگر سربازی اجباری نیازهای امنیتی کشور را تمام و کمال تأمین می‌کرد، باز هم پذیرفتنی نبود. هر طرح اجرایی که بخش زیادی از مردم این کشور از آن ناراضی باشند و پاسخ‌های مسئولین توان اقناع آنان را نداشته باشد و قشر جوان را -که آینده کشور به دست آن‌هاست- دچار مشکلات روحی و اقتصادی عدیده کند خودش اقدام علیه امنیت ملی است و ضروری است که راهکار مناسبی برای جایگزینی آن بیابیم.

اگر واقعا سرباز را برای تأمین نیازهای امنیتی و نظامی کشور می‌خواهیم، باید به سمت سربازی حرفه‌ای برویم و برایش نیروی تخصصی تربیت کنیم. از ۱۶۰ کشوری که در سال ۱۹۲۰ سربازی اجباری داشته‌اند، بیش از صد کشور مسیر سربازی حرفه‌ای را در پیش گرفته‌اند و امروزه در این کشورها سربازگیری داوطلبانه صورت می‌گیرد. سربازی حرفه‌ای با حقوق متناسب، از جاذبه کافی برخوردار است، لذا بسیاری از مشکلات سربازی کنونی را ندارد. در این سال‌ها، با تلاش سربازان و فعالان این عرصه

کنند. مشکلات روحی تنها گریبان مشمولین غایب و سربازفراری‌ها را نمی‌گیرد. سال‌هاست که روایت بی‌احترامی، خشونت و تنبیه‌های نامنصفانه نسبت به سربازان از پادگان‌ها مخابره می‌شود. اخبار نگران‌کننده خودکشی سربازان در نتیجه افسردگی و هر از چندی هم خبر درگیری منجر به قتل سربازان با افسران منتشر می‌شود. به کارگرفتن سربازان در مشاغل خدماتی در اماکن وابسته به نیروهای مسلح هم یکی از عواملی است که سربازی را نه خدمت به کشور که خدمت به «نیروهای مسلح» و مصداق بارز بیگاری جلوه می‌دهد. این‌ها را اضافه کنید به ناچیز بودن میزان حقوق دریافتی هر سرباز؛ این است که حس خشم و سرخوردگی بیشتری به سربازان می‌دهد. تازه امسال بود که در نتیجه مطالبات مکرر، حقوق سربازان افزایش یافت. کف حقوق هر سرباز در سال ۱۴۰۱ سه میلیون و سیصد و شصت هزار تومان است، اما شواهد حاکی از آن است که حتی همین مبلغ هم کامل به آنان پرداخت نشده است. سربازی دست‌کم جوانان را دو سال از اشتغال و کسب درآمد عقب می‌اندازد، در واقع سربازی مالیات‌گیری از قشری است که ثروت چندانی ندارد و حتی مشغول به کار نشده‌اند، پس منصفانه نیست. این‌ها تمام آسیب‌های روند کنونی سربازی نیست. سربازی به‌عنوان یکی از موانع جدی اشتغال، مانع بزرگی مقابل ازدواج جوانان نیز هست. این مسئله هم، مثل تمام مشکلاتی که سربازی اجباری برای افراد ایجاد می‌کند، کشور را در سطح کلان تحت تأثیر قرار می‌دهد. معمولاً خانواده‌ها از دواج را به پس از انجام خدمت و گذراندن این دو سال بلا تکلیفی موکول می‌کنند و به این ترتیب سن ازدواج بالاتر می‌رود. همچنین گذراندن دوره سربازی بعد از ازدواج هم مشکلات اقتصادی و روحی خاص خودش را دارد.

گذشته از این دست مسائل، سربازی به‌شکل کنونی‌اش اهداف امنیتی ما را نیز تأمین



## پروژه جدید آمریکا این بار در قفقاز

نگاهی بر مداخله آشکار آمریکا در درگیری های جدید میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان

■ زهرا طیبی

آخرین بار در جنگ ۴۴ روزه سال ۲۰۲۰ قره باغ بود که ارمنستان و آذربایجان در مرز باهم درگیر شدند، آذربایجان مناطقی را در بخشی از قره باغ و ۷ ناحیه اطراف آن، از تصرف ارمنستان آزاد کرد و در آخر هم با ورود روسیه، آتش بس برقرار شد. حالا و بعد از گذشت دو سال، مجدداً از ۲۲ شهریورماه (۱۳ سپتامبر) درگیری های مرزی ارمنستان با آذربایجان شروع شده است. این درگیری ها در شرایطی در حال وقوع است که روسیه با اوکراین در حال جنگ است و به همین علت امکان ورود جدی به مسائل ارمنستان و آذربایجان را ندارد، از طرفی هم اردوغان با سودای ایجاد یک اتحادیه ترک، باکو را به تصرف بخش هایی دیگر از ارمنستان تحریک می کند. حال در وضعیت فعلی منطقه و همچنین در شرایطی که بحران انرژی در پس این درگیری ها در اروپا در حال وقوع است، نانسو پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به ارمنستان سفر می کند؛ این یعنی ورود و مداخله آمریکا در درگیری میان آذربایجان و ارمنستان.

حضور جدی در منطقه قفقاز را داشته باشد این مسئله مرزهای ایران را هم مورد تهدید قرار می دهد که ممکن است خطرش را در سال های بعد متوجه ایران کند. البته یک نکته را هم نباید از قلم انداخت که این حضور البته می تواند مانعی جدی برای شیپنت های اردوغان برای ایجاد یک اتحاد ترک در منطقه باشد؛ چیزی که همیشه به دنبال آن بوده است.

در پایان به نظر می رسد که در درگیری هایی که بین این دو کشور وجود دارد، ایران قصد مداخله جدی ندارد و تا زمانی که تغییر ژئوپلیتیکی در مرزهای منطقه صورت نگیرد در این درگیری ها دخالت نخواهد کرد. باید منتظر ماند و دید که آمریکا با طرفداری از ارمنستان در درگیری ها، چه برنامه تازه ای را برای شرایط منطقه ای قفقاز در سر دارد و اینکه آیا باکو و ایروان به درگیری ها و پایان می دهند یا نه.

کشورهای منطقه قفقاز، جمهوری های جدا شده شوروی سابق هستند که با وجود استقلال، اما روسیه همواره نقش تعیین کننده ای در ارتباط خود با این کشورها داشته است. آمریکا البته همیشه به دنبال دخالت در این مناطق بوده و اکنون در میانه جنگ اوکراین نیز شرایط را برای ورود خود به منطقه قفقاز مناسب دیده است تا از این طریق مرزهای روسیه را هم مورد تهدید قرار گیرد. به عبارتی آمریکا که قصد داشت با ایجاد پایگاه های ناتو در اوکراین مرزهای روسیه را مورد تهدید قرار بدهد حالا با ورود به منطقه قفقاز، زنگ خطر را برای روس ها به صدا در می آورد. البته حضور نانسو پلوسی در قفقاز تنها به ضرر روس ها نخواهد بود، در شرایطی که ایران در حال بهبود روابط خود با کشورهای همسایه است و در این مدت روابط خوبی را با کشورهای منطقه برقرار کرده حالا با حضور آمریکا آن هم در میانه درگیری های ارمنستان با آذربایجان، زنگ خطر برای ایران هم به صدا در می آید. سفر نانسو پلوسی را نباید ساده انگارانه نگاه کرد، اگر آمریکا قصد

